

## ارکان اخلاقی سبک زندگی همسران بر اساس هستی‌شناسی اسلامی

محبوبه موسایی پور\*

حسین هوشنگی\*\*

### چکیده

اتخاذ شیوه و روش زندگی از سویی و انتخاب مینا و اساس برای این شیوه از سوی دیگر، از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. آنچه اهمیت دارد، این است که فرد مسلمان می‌تواند و باید زندگی خود را از میان سبک‌های مختلف در تمامی عرصه‌ها، از جمله عرصه همسررداری، بر اساس اصول و آموزه‌های دینی شکل دهد تا از یک طرف بر مبنای نگاه و فلسفه دینی، سبک زندگی خانوادگی خود را طراحی و انتخاب کند و از طرف دیگر خود را در برابر رخنه الگوهای مغایر و نامناسب فرهنگ‌های دیگر مصون سازد. بر این اساس به تبیین ارکان سبک زندگی مطلوب همسران بر مبنای هستی‌شناسی اسلامی پرداخته‌ایم. این مبانی عبارت‌اند از: خدامحوری، آفریده بودن جهان هستی، تکامل هستی و جهت تکاملی پدیده‌های آن، دنیا و آخرت به مثابه دو بعد از هستی، و گسترش زوجیت در هستی. برخی ارکان اخلاقی سبک زندگی همسران، برآمده از مبانی هستی‌شناسی یادشده عبارت‌اند از: قداست، خودمهارگری و مصونیت، صبر و استقامت، مودت و رحمت، ایمان و امنیت، حسن معاشرت، سکونت، و کفویت.

کلیدواژه‌ها: ارکان اخلاقی، اسلامی، هستی‌شناسی، همسران، خانواده، سبک زندگی.

---

\* دانشجوی دکتری معارف اسلامی، گرایش اخلاق و عرفان، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور.  
\*\* دانشیار گروه فلسفه دانشگاه امام صادق(ع).

## مقدمه

خانواده یکی از نهادهای مهم جامعه بشری است که زیربنایی‌ترین و اولین نهاد اجتماع به شمار می‌رود. تأثیر خانواده بر رشد، تعادل و شکوفایی افراد و جامعه به حدی است که هیچ صاحب‌نظری نمی‌تواند آن را انکار کند. از این‌رو، غالب فلاسفه و صاحب‌نظران درباره خانواده توصیه‌هایی داشته‌اند.

هجوم گسترده ماهواره و اینترنت به فرهنگ جامعه، نیاز به اخلاق و سبک زندگی اخلاقی را بیش از پیش برای خانواده‌ها، به خصوص ارکان اصلی آن، یعنی زن و مرد، ملموس کرده است. از این‌رو پرداختن به ارکان اخلاقی روابط بین همسران باید یکی از مباحث اساسی در علوم انسانی و تربیتی قرار گیرد، چون تکامل و ترقی جوامع بشری بدان مربوط می‌شود.

از آنجایی که اخلاق حاکم بر هر جامعه، و به تبع آن اخلاق همسررداری، ناگزیر مبتنی بر مبانی نظری - فلسفی است که ضرورت رعایت و عمل به اصول اخلاقی را توجیه می‌کند و به عبارتی سبک اخلاقی خاص خود را اقتضا دارد، لذا برای اینکه افراد جامعه به سبک اخلاقی آن جامعه پای‌بند باشند، باید به مفاهیم اصلی و اساسی و هسته‌های مرکزی یا به عبارت دیگر به مبانی نظری سبک اخلاقی آن جامعه در همه زمینه‌ها (در اینجا سبک اخلاقی همسررداری) آگاه باشند، و این آگاهی جز از طریق تبیین مبانی و آموزش آن امکان‌پذیر نیست (طاهرپور و شرفی، ۱۳۹۰: ۵۳). نتیجه این روشن‌سازی و آموزش، و پیامد آگاه‌سازی افراد از این تبیین، انتخاب و عمل آگاهانه‌تر و دیرپاتر و مقاومت افزون‌تر در برابر نظام‌ها و سبک‌های هنجارین نادرست است. بر این اساس، در این مقاله به بررسی مبانی هستی‌شناسانه سبک زندگی اخلاقی در زمینه همسررداری پرداخته‌ایم.

پرسش‌های مهم این پژوهش عبارت‌اند از:

- مبانی هستی‌شناسی سبک زندگی اخلاقی همسران از منظر اسلام کدام است؟
- اصول و ارکان اخلاقی سبک زندگی همسران چیست؟
- تأثیر مبانی هستی‌شناسی اسلامی بر زندگی اخلاقی همسران چگونه است؟

## تعریف مفاهیم

### ۱. سبک زندگی

سبک زندگی (Life Style)، برای توصیف شرایط زندگی انسان استفاده می‌شود. می‌توان گفت عبارت مصطلح سبک زندگی را که نخستین بار آلفرد آدلر در ۱۹۲۹ در غرب، به عنوان

اصطلاحی فنی رایج کرد، خیلی قبل‌تر، مسلمانان از روش زندگی پیامبر (ص) با نام «سیره» یا «سنت» برگرفته بودند. این عبارت که از اوایل قرن بیستم در غرب تولد یافت، شیوه و روش زندگی فرد در حوزه‌های مختلف زندگی، اعم از فردی و اجتماعی است. یعنی این معنا، بیشتر در خصوص انطباق زندگی فردی با تیپ‌های شخصیتی یا گروهی خاص به کار می‌رود. سبک زندگی، عنوانی شناخته‌شده است، اما از زاویه‌های متعدد به آن نگاه می‌شود. مؤلفه‌های شناخته‌شده آن در دنیای علمی امروز عبارت‌اند از: فعالیت‌های فیزیکی، اوقات فراغت، خواب و بیداری، روابط اجتماعی، روابط خانوادگی، معنویت، ایمنی، آرامش، تغذیه و ... که هر کدام به منزله بزرگراهی از راه‌های زندگی افراد شمرده می‌شوند. سبک زندگی، شیوه‌ای نسبتاً ثابت است که فرد اهداف خود را به وسیله آن پی می‌گیرد (کاوپانی، ۱۳۹۰: ۲۷).

در نگاه غیردینی انتخاب سبک زندگی به سادگی صورت می‌گیرد؛ چراکه اصالت با فرد و علاقه اوست و زیربنای سبک زندگی بر لذت و سود استوار است. اما در باورهای انسان‌ساز اسلام، مسلمان نمی‌تواند چنین رفتاری داشته باشد، بلکه باید سبک زندگی خود را به نحو مطلوب و بر اساس آموزه‌های دینی پی‌ریزی کند.

## ۲. اخلاق

اخلاق جمع خلق است. تعاریف گوناگونی از اخلاق صورت گرفته، اما آنچه از اخلاق در این مقاله مد نظر است، آموزه‌های ارزشی اسلام و عالمان اسلامی است که بیشتر مبتنی بر شئون وجودی انسان و متناسب با اهداف غایی تعلیم و تربیت اوست که عبارت است از: شکوفایی استعدادها، مثبت و صفات پسندیده و عالی‌ترین حقایق در درون آدمی در جهت کمال و هدف اعلائی زندگی (جعفری، ۱۳۵۹: ۶/۷۵).

منظور از هستی‌شناسی اسلامی، دیدگاه فلسفی اسلام درباره هستی است که با گزاره‌های توصیفی از هستی بیان می‌شود و مقصود از ارکان، گزاره‌های تجویزی است که از خاستگاه هستی‌شناسی اسلامی قابل استنباط است و در سبک زندگی معیار عمل قرار می‌گیرد؛ بنابراین، ابتدا اصول هستی‌شناختی اسلام را بررسی می‌کنیم و سپس به تأثیر هر یک از این اصول بر حیات اخلاقی همسران می‌پردازیم:

### الف. خدامحوری و آفریده بودن جهان هستی

در هستی‌شناسی اسلامی، خدا در رأس یا کانون هستی قرار گرفته است. عالم هستی تمامی مظهر و جلوه اسمای الهی است، که به واسطه رحمت عامه خداوند، هستی یافته و به واسطه آن، هستی خود را تداوم می‌بخشد. لذا هنگامی که عارف از اسمای حق سخن می‌گوید، هرگز

لفظ آنها را اراده نمی‌کند، بلکه مراد از اسم، نزد او، واقع و حقیقت خارجی آن است، چراکه عارفان معتقدند هر تجلی و ظهور حق و به بیان دیگر هر تعیین حق که بر کسی جلوه می‌کند، اسمی از اسمای حق است (قونوی، بی‌تا، نص ۱۴، ص ۵۱).

در این نگاه، منشأ صدور موجودات و خلقت آنها در یک کلام «عشق» است. عشق اولی و ذاتی خداوند به خود و عشق ثانوی و بالعرض او به مخلوقات به عنوان فعلش، سبب پیدایش چنین نظام متقن و هماهنگی شده است (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۲۷۰). خداوند، مالک حقیقی و بی‌نیاز مطلق است. همه به او نیاز دارند و او از همه بی‌نیاز است: «أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر: ۱۵). در جهان بینی توحیدی، جهان یک آفریده است و چیزی در هستی نیست که از قلمرو آفرینش خداوند خارج باشد (جوادی آملی، ۱۳۶۳: ۱۸۱-۱۸۲). اوست که نشانه‌های هستی برایش گواهی می‌دهد و دل منکر را به اقرار وا می‌دارد (نهج/البلاغه، خطبه ۴۹). بر این اساس، جهان بینی توحیدی یعنی درک اینکه جهان از یک مشیت حکیمانه پدید آمده است. جهان بینی توحیدی یعنی جهان، یک قطبی و تک‌محوری است. جهان بینی توحیدی یعنی جهان، ماهیت «از اویی» (إِنَّا إِلَهُ) و «به سوی اویی» (وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) (بقره: ۱۵۶) دارد. در این نگرش، هستی با عنایت الاهی نگهداری می‌شود و اگر لحظه‌ای عنایت خداوند از این جهان گرفته شود، نابود خواهد شد (مطهری، ۱۳۸۷: ۸۵-۸۶).

خداوند به دلیل آنکه عین کمال و دارای اسمای حسنا و صفات علیای فراوان است و از جمله صفات علیای او حکمت است، هر کاری که از او صادر می‌شود مناسب و موافق با کمال آن بوده و به همین دلیل به شایسته‌ترین صورت و با بهترین مصلحت صادر می‌گردد؛ به عبارت دیگر، چون ذات الاهی مبدأ جمیع اشیا است، علم ذاتی خدا که مبدأ همه خیرات است، مستلزم حصول اشیا مطابق با نظام احسن و متقن است؛ به همین دلیل، یعنی مبدأ بودن ذات الاهی برای همه اشیا، نظام خلقت نظامی یکپارچه است و هیچ موجودی از دایره احکام کلی حاکم بر آن مبرا نیست.

در کلام امام علی (ع) درباره دست‌یابی به شناخت صحیح و واقعی از حضرت حق که به دور از انحراف و باطل باشد، چنین آمده است: «سرآغاز دین، خداشناسی است؛ و کمال شناخت خدا، باور داشتن او؛ و کمال باور داشتن خدا، شهادت به یگانگی اوست؛ و کمال این شهادت، اخلاص؛ و کمال اخلاص، خدا را از صفات مخلوقات جدا کردن است» (نهج/البلاغه، خطبه ۱).

### تأثیر خدامحوری در ارکان اخلاقی سبک زندگی همسران

هنگامی که جهان‌بینی انسان بر اساس خدامحوری قرار می‌گیرد، این مبنای هستی‌شناسی در شکل‌گیری اصول اخلاقی همسرداری تأثیر بسزایی می‌گذارد و باعث می‌شود او برای یافتن موازین و هنجارهای رفتار با همسر به آموزه‌های دینی که در رأس سایر منابع دیگری چون آداب و رسوم، یافته‌های علمی و ساختارهای فرهنگی قرار دارد، مراجعه کند. از جمله این اصول می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

**قداست:** انسان خدامحور معتقد است همه ابعاد حیات، از جمله ازدواج و همسرداری، یک آموزه الهی، عبادی و ربانی است، از این رو می‌کوشد در کوچک‌ترین رفتار و برخورد با همسر از این دایره الهی-ربانی خارج نشود و این همان تجلی و تأثیر هستی‌شناسی اسلام بر این جنبه از سبک زندگی است.

بر این اساس، رفتار فرد مسلمان با همسر، تحت تأثیر آموزه‌های دینی است. او می‌داند آنچه در کلام الهی متجلی شده، فرامینی است لازم‌الاجراء، که کمال انسانیت را خواهان است، «اسلام ازدواج را مقدس می‌داند و به آن جنبه اخلاقی می‌دهد، با اینکه یک امر شهوانی است، و این تنها امری است که با وجود اینکه پایه طبیعی و شهوانی دارد، جنبه اخلاقی نیز دارد. هر گزینه‌ای که اشباع شود، اشباع آن تأثیری در معنویت انسان ندارد جز گزینه جنسی. لذا ازدواج از نظر اسلام، سنت و مستحب تعبیر شده است. یکی از علل آن، این است که ازدواج اولین قدمی است که انسان از خودپرستی و خوددوستی به سوی غیردوستی برمی‌دارد. تجربه نشان داده است که افرادی که در تمام عمر به خاطر هدف‌های معنوی، مجرد زندگی کرده‌اند، در همه آنها یک نوع نقص ولو به صورت یک نوع خامی وجود داشته است» (مطهری، ۱۳۷۴: ۲۴۸ و ۳۹۷).

**ایمان و امنیت:** یکی از ارکان مهم سبک زندگی همسران بر مدار اخلاق که تأثیر یافته از خدامحوری و خدامداری هستی است، ایمان فرد، به خدا و التزام بدان است. ایمان در لغت عرب، از اَمِن، یأْمِن، اَمْنًا و اَمْنًا و اَمَانًا و اَمْنَةً به معنای امن و امان شد، امنیت یافت و از اَمْن، یأْمِنُ اَمْنًا به معنای او را امین دانست، به او اعتماد کرد، است (معلوف، بی‌تا: ۳۵/۱). اَمِن: اعتمادکننده، امین‌شمرنده و اَلْأَمِن، ضد خوف است (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۴۰) و ایمان به معنای سکون قلب و تصدیق، هر دو، آمده است (ابن فارس، ۱۴۲۲: ۷۱).

به طور کلی، آنچه از کتب لغت به دست می‌آید، این است که ایمان در اصل لغت عرب به معنای در امن قرار دادن است و تعریفی که می‌توان از ایمان ارائه داد به قرار زیر است: علم به چیزی، به اضافه التزام به آن، طوری که آثارش در عمل ظاهر شود. بنابراین معلوم می‌شود که تنها صرف علم به چیزی و یقین به اینکه حق است، در حصول ایمان کافی نیست و

صاحب آن علم را نمی‌شود مؤمن به آن چیز دانست، بلکه باید ملتزم به مقتضای علم خود نیز باشد و بر طبق مؤدای علم، عقد قلب داشته باشد (الطباطبایی، ۱۴۱۲: ۲۵۹/۱۸). مؤلفه اساسی و مهم تعریف ایمان، عمل بر مقتضای علم است که به تعبیری دامنه همه رفتارهای فرد مؤمن از جمله رفتار با همسر را در بر می‌گیرد و سبب می‌شود همه افراد هم‌نشین با او به خصوص، همسرش، از جانب او در امنیت کامل، از هر حیث قرار گیرند. آنچه باید در مفهوم ایمان در نظر داشت، توجه به پیوند آن با روح آدمی است که بسیار مهم است؛ چراکه بر تمام وظایف و نقش‌های فرد تأثیرگذار است. بر این اساس است که خداوند در قرآن می‌فرماید:

و با زنان مشرک و بت‌پرست، تا ایمان نیاورده‌اند، ازدواج نکنید! (اگرچه جز به ازدواج با کنیزان، دسترسی نداشته باشید؛ زیرا) کنیز باایمان، از زن آزاد بت‌پرست بهتر است؛ هرچند (زیبایی، یا ثروت، یا موقعیت او) شما را به شگفتی آورد، و زنان خود را به ازدواج مردان بت‌پرست، تا ایمان نیاورده‌اند، در نیاورید! (اگر چه ناچار شوید آنها را به همسری غلامان باایمان درآورید؛ زیرا) یک غلام باایمان، از یک مرد آزاد بت‌پرست بهتر است؛ هرچند (مال و موقعیت و زیبایی او) شما را به شگفتی آورد. آنها دعوت به سوی آتش می‌کنند، و خدا دعوت به بهشت و آمرزش به فرمان خود می‌نماید، و آیات خویش را برای مردم روشن می‌سازد؛ شاید متذکر شوند! (بقره: ۲۲۱).

آنچه آیه بر آن تأکید دارد، انتخاب همسر، بر پایه معیار ایمان است که بر معیارهای دیگری چون زیبایی، شهرت، مقام اجتماعی و سیاسی برتری دارد و حتی فروترین طبقات مؤمن، همچون کنیزان و غلامان، را از این جهت برتر دانسته است (طاهری‌پور و شرفی، ۱۳۹۰: ۵۷)؛ زیرا آنچه در زندگی همسران، در پرتو تعالیم اخلاقی اسلام هدف قرار می‌گیرد نه صرفاً کام‌جویی جنسی، که انتخاب یک همراه برای یک عمر زندگی در شرایط سخت و آسان و تربیت فرزندان و پرورش نسلی شایسته است؛ و از آنجا که، هر گونه انحراف عقیدتی و به دنبال آن، انحراف رفتاری، کانون خانواده را در معرض خطر قرار می‌دهد، از این‌رو قرآن، مسلمانان را از ازدواج با افراد منحرف از لحاظ فکری و عقیدتی، منع می‌کند.

### ب. تکامل هستی و جهت تکاملی پدیده‌های آن

این مبنای هستی‌شناسی اسلامی، به جهت‌گیری هستی اشاره دارد. هیچ موجودی در این جهان، ثابت و یکنواخت نیست، دائماً منزل و جایگاه عوض می‌کند و به سوی مقصودی روان است

(مطهری، ۱۳۸۷: ۱۵۳). خداوندی که آفریدگار این عالم گسترده و موجودات متنوع، از جمله انسان است، حکیم است. حکمت او اقتضا می‌کند که در آفرینش هستی و موجودات، هدفی داشته باشد. قرآن کریم می‌فرماید: «و هو الَّذی خلق السموات و الارض بالحق» (انعام: ۷۳)؛ او خدایی است که آسمان‌ها و زمین را به حق آفریده است.

تأثیر تبیین علت غایی در تفسیری که از جهان خلقت ارائه می‌شود، انکارپذیر نیست؛ در اهمیت شناخت علت غایی، ملاصدرا، بررسی علل غایی را برترین جزء حکمت می‌داند (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ۲/۲۷۰).

اگر موجودات هستی و نیز کل هستی، تمام کمال‌های وجودی خود را داشته باشند و هیچ کمبودی از لحاظ فعالیت‌های متناسب خویش نداشته باشند، حرکتی وجود نخواهد داشت؛ چراکه قوه و استعداد در آنها نیست تا از آن برهند و کمالی را فاقد نیستند تا در اثر کوشش به آن برسند؛ جهان مادی که حدوث زمانی داشته، عین حرکت است، هدفی دارد؛ زیرا حرکت بدون هدف محال است (جوادی آملی، ۱۳۶۳: ۱۸۱-۱۸۲).

آفرینش به حق، اشاره به هدفدار بودن خلقت است و نفی عبث و پوچی در کارهای پروردگار و بازی و بیهوده نبودن خلقت (دخان: ۳۸). انسان نیز که یکی از پدیده‌های این مجموعه گسترده است، بر اساس حق آفریده شده و آغاز و انجامی دارد و با شناخت این هدف و مسیر و ابزار رسیدن به آن هدف، می‌تواند گام در مسیر کمال بردارد. خداوند می‌فرماید: «افحسبتم انما خلقناکم عبثاً و انکم الینا لا ترجعون» (مؤمنون: ۱۱۵)؛ آیا پنداشتید که ما شما را بیهوده آفریدیم و به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟

جهان ما، جهانی هدفدار است؛ یعنی درون موجودات، کششی خاص به سوی هدف کمالی‌شان موجود است و هدفداری همان هدایت الاهی است. همه علامت‌ها نشان می‌دهد که نوعی «میل» و «کشش» در هر موجودی به سوی مقصدی که به آن مقصد روان است وجود دارد، یعنی موجودات با نیروی مرموزی که درونشان هست، به سوی مقصدشان کشیده می‌شوند. این نیرو همان است که از آن به هدایت الاهی تعبیر می‌شود. در سوره طه آیه ۵۰ از زبان حضرت موسی نقل می‌کند که به فرعون زمان خویش گفت: «قَالَ رَبُّنَا الَّذِی اَعْطٰی کُلَّ شَیْءٍ حَلَقَهُ ثُمَّ هَدٰی»؛ پروردگار ما آن است که به هر چیز، آن نوع خلقتی که شایسته‌اش بود عطا، و سپس آن را هدایت کرد (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۵۳-۱۵۴).

در هستی‌شناسی اسلامی هیچ حرکت و فعلی بی‌غایت نیست. اگر فعلی فاقد غایت باشد، این فقدان تنها به لحاظ برخی مبادی آن است؛ بنابراین، فعل عبث نیز بی‌غایت نیست؛ هرچند غایت آن، امری خیالی و موهوم باشد.

علامه طباطبایی حرکت‌های جزئی و تکاملیه عالم را نظیر حرکت تکاملی جنین می‌داند که همگی غایتی خاص دارند، زیرا غرض از آفرینش موجود ناقص، همان کمالی است که از راه حرکت عاید آن می‌شود؛ بنابراین از منظر ایشان، نظام فعل و انفعالی - که در همه موجودات هست (و یا به عبارت دیگر) نظام جزئی که مخصوص هر موجودی است و نظام عامی که جامع همه نظام‌های جزئی است، از حیث ارتباطی که اجزای آن به یکدیگر دارند و موجودات از یک جزء آن به سوی جزئی دیگر منتقل می‌شوند - خود مصداق هدایت خدای تعالی در آیه «رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» است (الطباطبایی، ۱۴۱۲: ۱۶۷/۱۴).

در نگاه فلاسفه اسلامی، لازمه ابطال غایات و انکار علیت غایی در دایره وجود، نفی هر گونه فاعلی در عالم است. ابن‌سینا در *اشارات* (به ویژه در نمط ۵ (غایات و مبادی) و نمط ۴ (علل هستی)) و ملاصدرا نیز در *اسفار* و *شواهد الربوبیه* (مشهد اول، اشراق رابع)، اهمیت این بحث را متذکر شده‌اند.

بنابراین، تفکر و تدبیر در هستی ما را به این سمت سوق می‌دهد که این هستی بیهوده و عبث آفریده نشده است؛ بلکه از روی حکمت، مصلحت و هدف صحیحی آفریده شده که نماد وحدانیت الاهی است و این نکته در هستی‌شناسی، انسان را وا می‌دارد که فلسفه وجودی خویش و هدف آمدن و رفتن خود را بداند و در مسیر تعالی روحی خویش قدم بردارد و بداند که در نظام غایت‌محور، احسن و هماهنگ، همه اختلافات و تفاوت‌ها نیز هدفمند و در راستای همان غایت حقیقی ایجاد شده‌اند.

### تأثیر تکامل هستی در ارکان اخلاقی سبک زندگی همسران

از جمله آثاری که هستی هدفمند در اصول اخلاقی سبک زندگی همسران دارد؛ می‌توان موارد زیر را استنباط کرد:

**سکونت:** خداوند از طریق ایجاد گزینه جنسی در نهاد انسان و به دنبال آن ادامه و بقای نوع بشر، اهداف والاتر و برتری را برای ازدواج و زندگی با همسر مقدر کرده است. اهدافی چون دستیابی به آرامش که به معنای واقعی کلمه، گمشده بشر در دنیای امروز است و تمام تلاش آدمی در رهگذر چندساله عمر، رسیدن به این مفهوم است. آنچه قابل تأمل است اینکه، خداوند صرفاً آرامش جسمانی را که همان ارضای گزینه جنسی است از اسلوب سبک زندگی همسران مقدر نرموده، بلکه در کنار این آرامش جسمانی، سکونت و آرامش روحی را نیز، که بسیار مهم‌تر و اساسی‌تر برای ادامه زندگی است، خواستار شده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ



أَزْوَاجاً لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم: ۲۱)؛ و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید.

کتاب‌های لغت برای «سکن» معنای کم و بیش متفاوتی بیان کرده‌اند که می‌شود آنها را به این معنا جمع کرد که «سکن» به معنای استقرار و ثبوت است که در مقابل حرکت قرار می‌گیرد و این، شامل استقرار و ثبوت مادی و معنوی، ظاهری و باطنی می‌شود و گاهی از آن به طمأنینه و رفع اضطراب تعبیر می‌کنند و اگر با «الی» متعدی شود، به معنای اعتماد و اطمینان است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۸۷/۵).

جالب این است که قرآن می‌فرماید: «لتسكنوا اليها» و نمی‌فرماید: «لتسكنوا عندها»؛ زیرا سکن عنده، سکون جمعی را می‌رساند و کلمه «عند» ظرف مکان است و برای اجسام آورده می‌شود، اما سکن الیه شامل سکون جسمی و روحی، هر دو، می‌شود (الرازی، بی‌تا: ۱۱۱/۲۵). این آرامش از اینجا ناشی می‌شود که این دو جنس مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش یکدیگرند، به طوری که هر یک، بدون دیگری، ناقص است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۴۱۲/۱۶).

**مودت و رحمت:** هستی هدفمند، ازدواج را هم به عنوان یک نهاد مهم بشری در بر می‌گیرد. از اهداف والای ازدواج و از جمله ارکان مهم سبک زندگی همسران بر مدار اخلاق، از منظر تعالیم روح‌بخش قرآن دست‌یابی به مودت و به دنبال آن رحمت است. خداوند بعد از اینکه از اصل سکونت و آرامش جسمی و روحی بین همسران سخن می‌گوید به دنبال آن می‌فرماید: «وَجَلَّ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱)؛ و در میانتان مودت و رحمت قرار داد.

مودت آن انس روحانی و محبت از اعماق قلب و اعتماد و اطمینان هر یک از زن و مرد به یکدیگر است (سید قطب، ۱۴۱۵: ۲۷۶۳/۵). مودت از ماده و دَ به معنای دوست داشتن چیزی و آرزوی بقای آن است و رحمت، مهربانی و رقتی است که مقتضی احسان و بخشش باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۳۴۷). برخی، رحمت را رقت قلب و انعطافی شمرده‌اند که مقتضی تفضل و احسان و مغفرت است (شرتونی اللبنانی، ۱۴۰۳: ۳۹۶/۱). به عبارت دیگر، محبت زمانی که در عمل بروز یابد، با نوعی حس شفقت و حمایت همراه است که رحمت نام می‌گیرد، چنان‌که در لغت به همین معنا آمده است: «الرحمة انما هي تجلی الرفاه و ظهور الحنه و الشفقة»؛ رحمت تجلی رأفت و ظهور مهربانی و شفقت است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۹۲/۴). نکته قابل تأمل اینکه مودت غالباً جنبه متقابل دارد؛ اما رحمت، یک‌جانبه و ایثارگرانه است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۴۱۴/۱۶).

بنابراین، هر چه انسان به عنوان عضوی از هستی هدفمند و تکامل‌جو، در مراتب کمال بالاتر رود و به مدارج والاتری از ایمان برسد، مودت و رحمتش نسبت به همسر و خانواده بیشتر می‌شود؛ چنان‌که امام صادق (ع) فرموده‌اند: «من گمان نمی‌کنم که مردی ایمانش افزون شود و محبتش به همسرش افزون نشود» (الحر العاملی، بی‌تا: ۹/۱۴).

### ج. دنیا و آخرت، دو بعد از هستی

از ابعاد دیگر هستی‌شناسی اسلامی، پیوند دنیا و آخرت و فرجام انسان و جهان است. بی‌گمان همه هستی در این چند روزه عمر انسان‌ها خلاصه نمی‌شود. آفریدگار حکیم برای سعادت ابدی انسان‌های خوب و کیفر مناسب بدکاران ستمگر و تباهی‌آفرین، مرحله ابدی آخرت را قرار داده که در پایان بخشی دنیوی هستی، آن مرحله آغاز می‌شود.

در قرآن کریم، مکرر از غیب و شهادت، به ویژه از غیب یاد شده، و ایمان به غیب، رکن ایمان اسلامی است: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» (بقره: ۳). رابطه غیب و شهادت را با تعبیری مادی و جسمانی نمی‌توان توضیح داد. حداکثر تعبیری که مطلب را به ذهن نزدیک کند این است که بگوییم شبیه رابطه اصل و فرع یا شخص و سایه است، یعنی این جهان به منزله انعکاسی از آن جهان است. از قرآن کریم چنین استنباط می‌شود که هر چه در این جهان وجود دارد، وجود تنزل‌یافته موجودات جهان دیگر است که به منزله خزاین هستند «وَإِنْ مِّنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَ مَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ» (حجر: ۲۱) (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۳۷ و ۱۳۹). خدای تعالی در جمله «عندنا خزائنه...» این معنا را اثبات کرده که هر چیزی قبل از نزولش به این عالم و استقرارش در آن، خزینه‌هایی نزد او دارد؛ تمام این خزائن، مافوق عالم مشهود ماست، چون خدای تعالی آنها را به وصف «عنده» نزد خدا وصف کرده و این وصف در جای دیگر توضیح داده شده و آن آیه «ما عندکم ینفد و ما عند الله باق» است که می‌فرماید هر چه نزد خداست ثابت و لا یزال و لا یتغیر است، پس خزائن خدا هر چه باشند امور ثابتی هستند که دست‌خوش زوال و تغیر نمی‌شوند، و چون می‌دانیم که اشیا در این عالم مادی محسوس، متغیر و فانی هستند و ثبات و بقایی ندارند، می‌فهمیم که خزائن الهی مافوق این عالم مشهودند (الطباطبایی، ۱۴۱۲: ۱۴۴/۱۲-۱۴۵).

جواد املی نیز در این باره می‌گوید: «رابطه دنیا و آخرت رابطه‌ای است که اول و آخر انسان در یک مسیر قرار دارد و در حقیقت دنیا و آخرت دو چهره یک واقعیت است. عالم آخرت عالم ظهور و بروز باطن‌ها و تجسم اعمال انسان‌ها است. آدمی در واقع حقیقتی برای خود می‌سازد که در این عالم نمی‌تواند به آن پی ببرد؛ اما در آخرت کاملاً آن حقیقت، آشکار می‌شود»

(جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۵۸). به این ترتیب اگر انسان زندگی دنیایی را اصل قرار دهد، فرصت طلایی عمر خود را بیهوده تلف کرده است.

### ارکان اخلاقی برآمده از ذوابعاد بودن هستی

**خودمهارگری:** هنگامی که انسان به این باور برسد که زندگی‌اش در این جهان منحصر به این دنیا نیست بلکه بعد از آن، سرای دیگری است که اصل است و همه اعمالش در آنجا سنجیده می‌شود و نظام پاداش و جزا بر آن جاری است و در محضر کسی روزگار می‌گذراند که از تمام اسرار درونی وی آگاه است، این اعتقاد، او را به سوی رعایت ارزش‌های اخلاقی در همه زمینه‌ها از جمله در ارتباط با همسر و وفاداری نسبت به او و او می‌دارد. او درمی‌یابد که در قبال زندگی چندروزه دنیایی‌اش حسابرسی می‌شود و در پیشگاه عدل الهی قرار دارد. پس باید در محضر ربوبی، شرط بندگی و عبودیت را رعایت کند. بدین ترتیب رفتارش را در ابعاد مختلف وجودی، مخصوصاً بعد جنسی، در چارچوب شرع تنظیم می‌کند و بر تمایلات و خواهش‌های نفسانی خود در آشکار و نهان مسلط می‌شود. زیرا به دلیل شرایط زیستی خاص خود، در همه مراحل زندگی - حتی با وجود همسر و فراهم بودن شرایط کامل ارضا - به عفاف و توان خودمهارگری نیاز دارد: «من تزوج احرز نصف دینه ... فلیتق الله فی النصف الاخر او الباقی»؛ کسی که ازدواج کند نصف دینش را حفظ می‌کند، ... پس در نصف دیگر و باقی‌مانده تقوای الهی پیشه کند (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۳۹/۲).

**حسن معاشرت:** نتیجه اعتقاد به اینکه غیر از این دنیا سرای دیگری نیز هست که اصل حیات در آن جاری است و خداوند، در آنجاست که برای آن دسته از بندگان که با خلوص و اتکا به مدد الهی، نداشته‌ها و خواسته‌های نفس خود را در این دنیا تحمل کرده‌اند، جبران می‌کند، این است که انسان را به نوعی مصونیت درونی برای رعایت ارزش‌های اخلاقی و به دنبال آن، حسن رفتار با تمام هم‌نوعان از جمله همسر فرا می‌خواند. آنچه مسلم است اینکه ممکن است در زندگی شرایطی پیش آید که منجر به ناسازگاری همسران و اکراه و دل‌زدگی آنان از یکدیگر شود. توصیه قرآن در این زمینه - که در واقع یک اصل بنیادین اخلاقی برای سبک زندگی همسران، در همه حال، تلقی می‌شود - حسن معاشرت است: «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹)؛ و با آنان به طور شایسته رفتار کنید.

بدون تردید پیوند مقدس زناشویی و محبت و رحمتی که خداوند در این پیمان مقدر فرموده، اقتضا می‌کند که چشم‌پوشی و گذشت، صمیمیت و دل‌سوزی و تعهد اخلاقی بالا نسبت به یکدیگر، در رأس این پیمان قرار گیرد و هیچ یک از همسران، شرایطی را فراهم نیاورند که منجر

به اکراه و تحت فشار قرار گرفتن طرف مقابل خود شود، همان‌گونه که ابن‌عاشور از مفسران قرن سیزدهم، حسن معاشرت را در این خصوص، جامع نفی ضرر و نفی اکراه دانسته است (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۲۸۶/۴).

**صبر:** تأثیر تکامل هستی و هدفمندی آن در سبک زندگی همسران به این صورت است که زندگی انسان با صبر معنادار می‌شود، چراکه بدون تردید زندگی آدمی آمیخته با فراز و نشیب و تلخ و شیرین و پیروزی و شکست است و اگر او تسلیم نیمه تاریک و تلخ حوادث شود، هرگز سرفراز و سعادتمند نخواهد شد. دوام کانون خانواده اهمیت بسیاری دارد و این امر، جز با صبور بودن و شکیبایی زن و شوهر استمرار ندارد.

صبر به معنای استقامت و پایداری در مواجهه و رویارویی با علل و عواملی است که مانع حرکت انسان به سمت مقصد و مقصود می‌شود؛ از جمله صفات ارزشمندی است که در آموزه‌های اسلام توجه خاصی به آن شده است؛ چراکه در سایه داشتن ویژگی صبر و پایداری، انسان می‌تواند در عرصه‌های مختلف زندگی، رشد و تکامل یافته، به اهداف خویش دسترسی پیدا کند.

خانواده زمانی خوش‌بخت و سربلند و موفق است که اعضایش در قبال یکدیگر شکیبایی، گذشت، صمیمیت و دل‌سوزی داشته باشند و همدیگر را در برابر امواج سهمگین آسیب‌های اجتماعی از آفات و خطرات حفظ کنند و به هم محبت کنند و همدیگر را شکیبایی و دل‌داری دهند.

جایگاه صبر و شکیبایی در زندگی مشترک به حدی است که در مواردی که هر یک از همسران خلق و خوی ناشایست داشته باشند یا حتی دچار انحراف عقیده باشند، آموزه‌های دینی تنها چاره کار را برای طرف مقابل، شکیبایی دانسته و برای آن هدف بالایی چون اجر اخروی بیان کرده است. از جمله می‌توان به سرگذشت آسیه همسر فرعون اشاره کرد؛ او در برابر دعوت همسرش به پرستش خود و ادعای خدا بودن او مقاومت کرد. ابتدا با نصیحت و اندرز او را آگاه ساخت اما وقتی مجادله آنها بالا گرفت، فرعون او را تهدید به مرگ کرد، اما آسیه در برابر او صبر کرد و تزلزلی در خود راه نداد؛ پیامبر اسلام (ص) آسیه را، برای زنان صابر، شاخص صبر و استقامت قرار داده، فرموده است: «هر گاه زنی در مقابل اخلاق و رفتار ناپسند شوهرش بسیار صبور و شکیبا باشد، به گونه‌ای که اگر نتوانست در او اثر بگذارد، حداقل تابع اعمال ناشایست و کج‌روی‌های او نباشد، خداوند اجر و پاداشی همانند اجر و پاداش آسیه به او خواهد داد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴۷/۱۰۳). همچنین به مردان می‌فرماید: «هر مردی به خاطر خدا، در برابر بداخلاقی زنش صبر کند، خداوند متعال برای هر روز و شبی که در برابرش شکیبایی می‌ورزد، همانند ثوابی

را به او می‌دهد که به ایوب (ع) در قبال گرفتاری‌اش داد، و گناه زن نیز در هر شب و روز، به اندازه ریگ‌های ریگستان است» (ابن‌بابویه (شیخ صدوق)، بی‌تا: ۳۳۹).

#### د. گسترش زوجیت در هستی

آفرینش موجودات در گستره هستی بر مبنای قانون زوجیت صورت گرفته و می‌گیرد. انسان تا قرن‌ها گمان می‌کرد مسئله زوجیت و وجود جنس نر و ماده فقط در مورد بشر و حیوانات و برخی گیاهان، مثل خرما صادق است، اما کارل لینه (۱۷۰۷-۱۷۸۷) گیاه‌شناس معروف سوئدی نظریه خود را مبنی بر وجود نر و ماده در بین همه گیاهان در ۱۷۳۱ ارائه کرد و مورد استقبال دانشمندان قرار گرفت (نک: روسو، ۱۳۳۵: ۳۵۴ و ۴۰۸ به بعد). سپس دانشمندان کشف کردند که ماده از تراکم انرژی به صورت ذرات بی‌نهایت ریزی که اتم نامیده می‌شود، تشکیل یافته است و پس از گذشت مدتی مسئله زوجیت به همه اشیا سرایت داده شد؛ چراکه دانشمندان کشف کردند که واحد ساختمانی موجودات یعنی اتم از الکترون‌ها (با بار منفی) و پروتون‌ها (با بار مثبت) تشکیل شده است. قرآن بارها به مسئله زوجیت اشاره کرده است، از جمله:

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ (شعرا: ۷)  
 وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (ذاریات: ۴۹)  
 وَ أَنَّهُ خَلَقَ الرُّؤْسَيْنِ الذَّكَرَ وَ الْأُنثَى (نجم: ۴۵)  
 سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا  
 يَعْلَمُونَ (یس: ۳۶)

در تفسیر نمونه ذیل این آیه آمده است:

قرآن مجید در این آیه، خبر از وجود زوجیت در تمام جهان گیاهان و انسان‌ها و موجودات دیگری که مردم از آن اطلاعی ندارند، می‌دهد. این موجودات، ممکن است گیاهان باشند که وسعت دایره زوجیت در آن روز، هنوز در آنها، جز، در موارد خاصی مانند درختان نخل و امثال آن، کشف نشده بود یا اشاره به حیوانات اعماق دریاها که در آن روز کسی از آن آگاه نبود، یا اشاره به موجودات دیگری که در کرات دیگر آسمانی زندگی می‌کنند و یا موجودات زنده ذره‌بینی باشد. این احتمال نیز داده شده است که زوجیت در اینجا، اشاره به وجود ذرات مثبت و منفی در دل تمام اتم‌ها است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۰۰/۱۸-۴۰۱).

طباطبایی نیز در *المیزان* ذیل این آیه می‌گوید:

مقارنه دو چیز با هم، و نوعی تآلف و ترکیب، از لوازم مفهوم زوجیت است. آیه اشاره می‌کند به اینکه مسئله تزویج دو چیز با هم و پدید آوردن چیز سوم، اختصاص به انسان و حیوان و نبات ندارد، بلکه تمامی موجودات را از این راه پدید می‌آورد، و عالم مشهود را از راه استیلاد تنظیم می‌فرماید، و به طور کلی عالم را از دو موجود فاعل و منفعّل درست کرده که این دو به منزله نر و ماده حیوان و انسان و نبات‌اند، هر فاعلی با منفعّل خود برخورد می‌کند و از برخورد آن دو، موجودی سوم پدید می‌آید... منظور از مما تثبت الأرض، هر چه را که زمین از خود می‌رویاند همه گیاهان و حیوانات و انسان‌هاست. و من انفسهم، یعنی از خود مردم و مما لا يعلمون یعنی از آنچه مردم نمی‌دانند و آن عبارت است از مخلوقاتی که هنوز انسان از وجود آنها خبردار نشده، و یا از کیفیت پیدایش آنها، و یا از کیفیت زیاد شدن آنها اطلاع پیدا نکرده است (الطباطبایی، ۱۴۱۲: ۸۸/۱۷-۸۹).

### تأثیر زوجیت در ارکان اخلاقی سبک زندگی همسران

**کفویت:** بر اساس زوجیت، مرد و زن یک مجموعه را تشکیل می‌دهند که همراه با هم برای حفظ بقا و رفع نیازهای یکدیگر و اهداف بلند دیگر، قدم در زندگی هم می‌نهند؛ بنابراین زن و مرد باید از جنبه‌های مختلف با هم تناسب داشته باشند تا آنچه زوجیت زمینه‌ساز آن است، تحقق یابد. همچنان که قرآن در تعبیر لطیفی، زن و مرد را به لباس یکدیگر تشبیه کرده، می‌فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»؛ آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید) (بقره: ۱۸۷).

صرف‌نظر از توجه به ملاک‌های گزینش همسر مناسب، به طور کلی، انتخاب همسران، [علاوه بر تأکید دین اسلام] به عنوان یک قاعده جهانی همسرگزینی پذیرفته شده است. تشابه و همسانی همسران در مکان زندگی و تولد، طبقه اجتماعی، صفات اخلاقی و ویژگی‌های روان‌شناختی، مذهب و دین، سن و سال و ویژگی‌های فرهنگی و نژادی، مورد تأکید بیشتر محققان قرار گرفته است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۵۸).

### نتیجه‌گیری

سبک زندگی همسران مسلمان، مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌های آنان در ارتباط با یکدیگر است. هستی‌شناسی اسلامی موجب می‌شود فرد مسلمان، معیارها و گزینه‌های جدیدی برای شکل‌گیری سبک زندگی خود در ابعاد مختلف از جمله در زمینه اخلاق همسررداری، به کار گیرد که مطابق با نگاهی است که اسلام با تکیه بر وحی به هستی دارد. زندگی این‌جهانی انسان، از جمله زندگی خانوادگی، در کنار اجزای دیگر هستی و حیات آن‌جهانی انسان، نگریسته و تفسیر می‌شود؛ در این رویکرد هر یک از همسران می‌آموزند که نقش‌ها و تکالیف فردی مرد و زن، نه تنها در سعادت دنیوی آنان تأثیرگذار است، بلکه حیات آخرتی آنان را نیز متأثر می‌کند.

قوانین الهی، که برخاسته از آگاهی‌های خداوند به حقیقت انسان و سعادت واقعی او در دنیا و آخرت است، به انسان می‌آموزد که چگونه در تمام جنبه‌های زندگی خود از جمله ارتباط با همسر از ظرفیت‌های موجود خود درست بهره‌برداری کند. هدفمندی خلقت و جهت‌دار بودن زندگی انسان و برخورداری او از کرامتی خاص، سراسر ابعاد وجودش را در بر می‌گیرد و در مجموعه نظام آفرینش با برخورداری از این کرامت، او را نسبت به سایر شئون جمادی، نباتی و حیوانی زندگی متمایز می‌سازد، و رسالتی عظیم مابین «أنا لله» تا «أنا الیه راجعون» (بقره: ۱۵۶) بر عهده وی قرار می‌دهد، که تحقق آن با بی‌بندوباری و آزادزیستی و رهایی از قیود اخلاقی، سازگاری ندارد.

بدین ترتیب، اسلام با تکیه بر وحی، مبانی هستی‌شناسانه‌ای چون خدامحوری، آفریده بودن جهان هستی، تکامل هستی و جهت‌تکاملی پدیده‌های آن، اشتغال هستی بر دنیا و آخرت، و زوجیت را در بر می‌گیرد که انسان مسلمان را به سبک زندگی ویژه‌ای رهنمون می‌سازد. این سبک زندگی ایمانی-اسلامی در زمینه همسررداری بر ارکان اخلاقی مهمی چون قداست، خودمهارگری و مصونیت، ایمان و امنیت، حسن معاشرت، صبر و استقامت، مودت و رحمت، سکونت و کفویت استوار است.

### فهرست منابع

۱. قرآن کریم (؟؟؟). ترجمه: ناصر مکارم شیرازی.
۲. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق) (بی‌تا). *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، تحقیق: علی اکبر الغفاری، تهران: مکتبه الصدوق.

۳. ابن سینا، حسین بن عبد الله (۱۳۸۲). *اشارات و تنبيهات*، نگارش: حسن ملک‌شاهی، تهران: انتشارات سروش، چاپ چهارم.
۴. ابن عاشور، محمد الطاهر (بی‌تا). *تفسیر التحرير والتنوير*، بی‌جا: بی‌نا.
۵. ابن فارس، احمد بن زکریا (۱۴۲۲). *معجم مقاییس اللغة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶. جعفری، محمدتقی (۱۳۵۹). *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، تهران: انتشارات فرهنگ اسلامی.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۳). *ده مقاله پیرامون مبدأ و معاد*، تهران: انتشارات الزهرا.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). *نسبت دین و دنیا، تحقیق: سعید بندعلی، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ اول.*
۹. الحر العاملی، محمد بن الحسن (بی‌تا). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، تصحیح: عبد الرحیم الربانی الشیرازی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. الرازی، فخر الدین (بی‌تا). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بی‌جا: بی‌نا، الطبعة الثالثة.
۱۱. الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶). *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، دمشق: دار القلم.
۱۲. روسو، پیر (۱۳۳۵). *تاریخ علوم*، ترجمه: حسن صفاری، بی‌جا: انتشارات امیرکبیر.
۱۳. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: انتشارات سروش.
۱۴. سید قطب (۱۴۱۵). *فی ضلال القرآن*، بیروت: دار الشروق، الطبعة الخامسة و العشرون.
۱۵. شرتونی اللبانی. سعید الخوری (۱۴۰۳). *اقرب الموارد فی نصح العربیه و الشوارد*، قم: مکتبه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.
۱۶. الشیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا) (۱۳۶۳). *مفاتیح الغیب*، مقدمه و تصحیح: محمد خواجوی، تهران: مؤسسه تحقیقات فرهنگی تهران.
۱۷. الشیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا) (۱۹۸۱). *الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.



۱۸. طاهرپور، محمدشریف؛ شرفی، محمدرضا (۱۳۹۰). «مبانی هستی‌شناسی اخلاق جنسی»، در: *مجله اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، س ۳، ش ۵، ص ۵۳-۷۶.
۱۹. الطباطبائی، محمد حسین (۱۴۱۲). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، الطبعة الخامسة.
۲۰. علی ابن ابی طالب (؟؟). *نهج‌البلاغه*، ترجمه: محمد دشتی.
۲۱. الفراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۴). *ترتیب کتاب العین*، تحقیق: مهدی المخزومی، ابراهیم السامرائی، قم: انتشارات اسوه.
۲۲. القونوی، صدر الدین محمد بن اسحاق (بی‌تا). *رساله النصوص*، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (متن الکترونیکی).
۲۳. کاویانی، محمد (۱۳۹۰). «کمی‌سازی و سنجش سبک زندگی اسلامی»، در: *مجله روان‌شناسی و دین*، س ۴، ش ۱۴، ص ۲۷-۴۴.
۲۴. الکلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۵. المجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۶. المصطفوی، حسن (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران: انتشارات صدرا، چاپ بیست و پنجم.
۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). *مجموعه آثار*، تهران: انتشارات صدرا، چاپ شانزدهم، ج ۲.
۲۹. معلوف، لوئیس (بی‌تا). *المنجد فی اللغة*، ترجمه: محمد بندر ریگی، تهران: انتشارات ایران.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). *تفسیر نمونه*، تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه.